



## RISK DOCTOR BRIEFING



مبانی مدیریت ریسک

بخش 1 : ISO 31000:2009

© August 2011, Dr David Hillson HonFAPM, PMI Fellow

david@risk-doctor.com

بسیاری از سازمان ها از یک فرآیند مدیریت ریسک استفاده می کنند بدون اینکه مبانی و اصولی را که زیربنا و مبنای مدیریت ریسک اثربخش هستند بدانند. اما این مبانی و اصول کجا هستند؟ یک جایی که می توانیم دنبال راهنما بگردیم استاندارد مدیریت ریسک ISO 31000:2009 - مبانی و خطوط راهنما، می باشد که شامل مجموعه ای از مبانی است که می توان در نظر گرفت. هر یک از این مبانی چیزهای مهمی درباره مدیریت ریسک به ما می گویند و همه ی آنها با هم مبنای چالش برانگیزی برای سازمان هایی که می خواهند مدیریت ریسک را به خوبی مدیریت کنند، تنظیم می کنند.

یازده اصل ریسک در ISO 31000:2009 مورد اشاره قرار می گیرند. برخی از آنها آشکارند ولی بقیه نیازمند توضیح مختصری می باشند. این یازده اصل عبارتند از:

1. مدیریت ریسک ایجاد ارزش می کند و ارزش را حفاظت می کند. ارزش وقتی ایجاد می شود که ما اهدافمان را به دست می آوریم، و مدیریت ریسک به ما کمک می کند تا عملکردمان را بهینه سازیم. همچنین با کمینه نمودن تأثیرات منفی ریسک و پرهیز از اتلاف و دوباره کاری، از ارزش حفاظت می کند.
  2. مدیریت ریسک بخشی مرتبط با همه فرآیندهای سازمانی است. مدیریت ریسک فعالیتی مستقل نیست و باید "درونی باشد نه انضمامی". باید برای هر چیزی که انجام می دهیم ریسک هم محاسبه و در نظر گرفته شود.
  3. مدیریت ریسک بخشی از تصمیم سازی است. وقتی که با موقعیت های مهمی که شامل عدم قطعیت های اساسی می شوند، رویارو هستیم، باید تصمیممان ریسک-آگاه باشد.
  4. مدیریت ریسک به وضوح عدم قطعیت را پیگیری می کند. همه ی منابع و اشکال عدم قطعیت باید در نظر گرفته شوند، نه فقط "رویدادهای ریسکی". اینها شامل ابهام ها، تغییرپذیری، پیچیدگی، تغییر و غیره می شوند.
  5. مدیریت ریسک روش مند، ساخت یافته و بهنگام است. فرآیند ریسک باید در مسیری منضبط راهبری گردد تا اثربخشی و کارایی آن بیشینه شود.
  6. مدیریت ریسک بر مبنای بهترین اطلاعات در دسترس می باشد. ما هرگز اطلاعات کامل نخواهیم داشت، ولی همواره باید از استفاده از همه ی منابع مطمئن باشیم و از محدودیت ها نیز، آگاه.
  7. مدیریت ریسک مناسب سازی می شود. یک رویکرد یکتا که با همه چیز چفت شود وجود ندارد. ما باید فرآیند را جهت جور شدن با چالش ریسک خاصی که با آن رویارو هستیم تنظیم نماییم.
  8. مدیریت ریسک عوامل انسانی و فرهنگی را در نظر می گیرد. ریسک توسط افراد مدیریت می شود نه توسط فرآیندها و تکنیک ها. ما باید درک ها و نگرش های متفاوت ریسک را تشخیص دهیم.
  9. مدیریت ریسک شفاف و جامع است. ما باید با صداقت با هموندان و تصمیم سازها درباره ریسک ارتباط برقرار کنیم، حتی اگر پیغام برای برخی از آنها خوشایند نباشد.
  10. مدیریت ریسک پویا، تکرارشونده و جوابگو به تغییرات می باشد. ریسک دائما تغییر می کند، و فرآیند ریسک باید به روز نگه داشته شود، ریسک های موجود را مرور کند و جدیدها را شناسایی.
  11. مدیریت ریسک بهبود مستمر سازمان را تسهیل می کند. مدیریت ریسک ما باید همراه با زمان که درس هایی از گذشته به منظور منفعت بردن در آینده می گیریم، بهبود یابد.
- هر یک از این اصول اگر آنها را در مسیری که به طور واقعی و در عمل کارهایمان را انجام می دهیم، به کار ببریم، می تواند مدیریت ریسک ما را بهتر و اثربخش تر سازد. اگر با روشی که در حال حاضر مدیریت ریسک در سازمانمان اجرا می شود راضی می شویم، احتمالا این اصول را فراموش خواهیم کرد. ولی اگر بخواهیم عملکردمان را در این محیط با اهمیت بهبود بخشیم، اصول و مبانی ISO 31000:2009 جای خوبی را برای شروع پیشنهاد می کند.